

دوره ششم تقنینیه

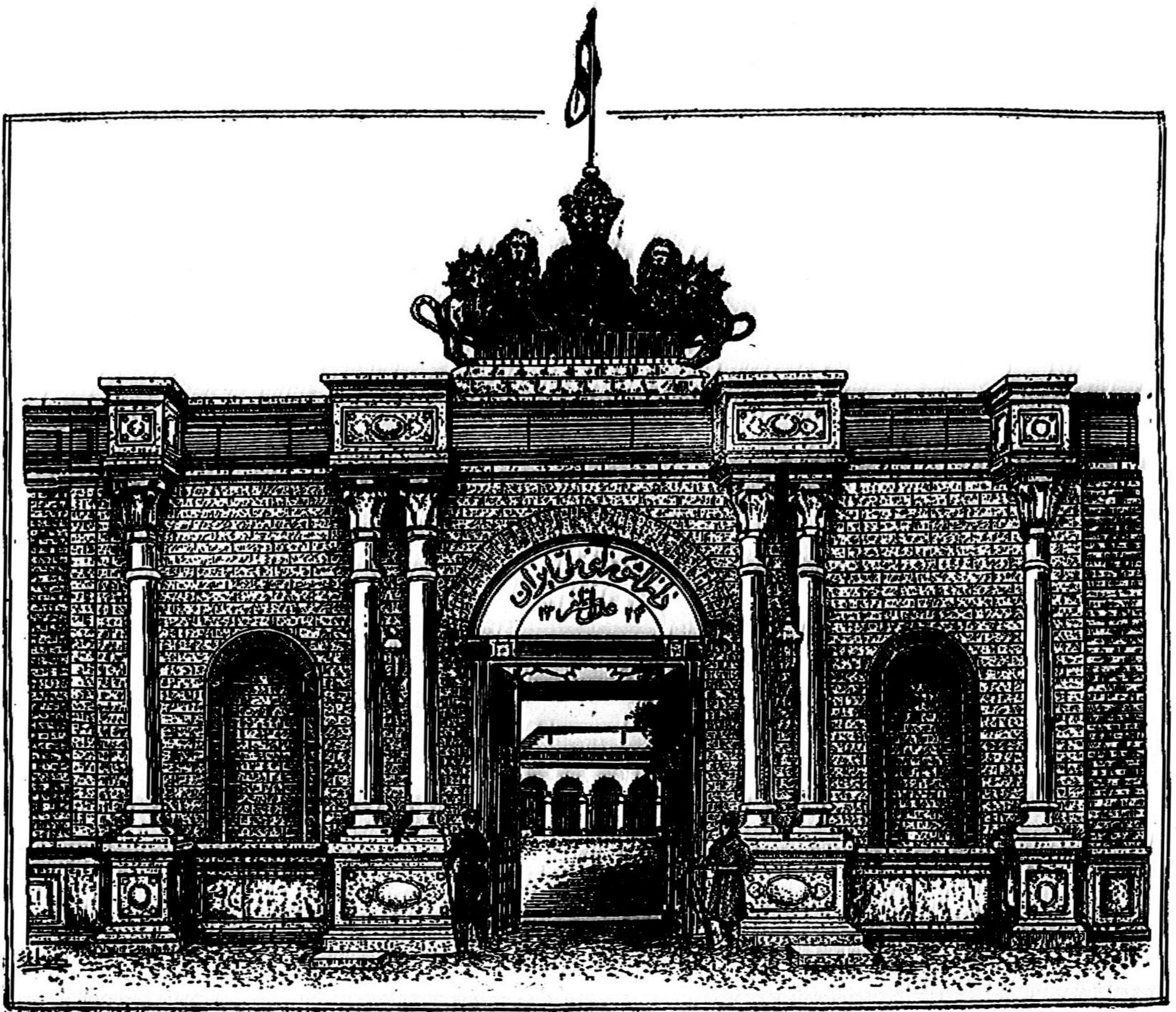
جلسه	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره
۱۱۳		۷۸
تاریخ تأسیس آذر	مندرجات	قیمت اشتراك
۱۳۰۵	فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی	داخله ایران سیالیاند ده تومان
جلسه پنجشنبه ۱۱	خواهد بود	خارجه دو الوده تومان
خرداد ماه ۱۳۰۶	پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود.	قیمت تک شماره
مطابق ۲ ذیحجه	مطبعة مجلس	يك قران
۱۳۴۵		



# فهرست مندرجات

شماره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	مذاکره در اطراف خبر کمیسیون مبتكرات راجع به عفو مستخدمین دولتی و خروج آن از دستور	۱۵۶۲	۱۵۶۵
۲	معرفی آقایان وزراء از طرف آقای مهدیقلی خان هدایت رئیس الوزراء	۱۵۶۵	
۳	قرائت خبر شعبه اول راجع بانتخابات استرآباد و نمایندگی آقای معتضد استرآبادی و مخالفت آقای زوار	۱۵۶۶	
۴	قرائت خبر کمیسیون مبتكرات راجع طرح قانونی در موضوع تاسیس مدرسه شبانه روزی و ارجاع آن به کمیسیون بودجه	۱۵۶۷	
۵	بقیه شور اول خبر کمیسیون بودجه راجع بفروش مخالفات و خامه شور اول و تصویب ورود در شور ثانی لایحه مزبور	۱۵۶۷	۱۵۷۸





# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنج شنبه ۱۱ خرداد ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲ ذیحجه ۱۳۴۵

### جلسه ۱۱۳

غائبین با اجازه جلسه قبل  
 آقایان: عمادی - میرزا حسنخان اسفندیاری - نظام مافی  
 سید ابراهیم ضیاء - حشمتی - حیدری مگری - نوبخت - فرشی  
 میرزا حسنخان وثوق - زعیم - سلطان ابراهیم خان افخمی

(مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر ریاست آقای  
 پیرنیا تشکیل گردید)  
 (صورت مجلس سه شنبه نهم خرداد را آقای  
 بی سلیمان قرائت نمودند)



غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: علی خان اعظمی - دکتر مصدق - حاج حسن آقا ملک

دیر آمدگان با اجازه

آقایان: اعتبار - عراقی - جلالی - مرتضی قلیخان بیات - امام جمعه شیراز - حاج اسدالله زوار - میرزا محمد تقی بهار - میرزا یوسف خان عدل - محمود رضا

دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: مهربان - فهمی - شریعت زاده - بهبهانی محمد ولی میرزا - میرزا احمد خان بدر

رئیس - آقای بهبهانی

بهبهانی - بنده را در صورت مجلس غائب بی اجازه نوشته بودند در صورتی که بواسطه درد چشم و مراجعه به طبیب نتوانستم حاضر شوم و استجازه هم کرده بودم

رئیس - به کمیسیون مراجعه و اصلاح میشود. آقای دهستان

میرزا یدالله خان (دهستان) - در جلسه قبل بنده عرض کردم رئیس مالیه طهران مداخله در امور سیاست میکند و علاوه بر خلاف قانون هم در امور مالیه دخالت میکند. استدعا می کنم این قسمت آخر را هم علاوه فرمایند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده در صورت مجلس ایرادی ندارم بقرائت آن ایراد دارم مالیات را بتشدید نخوانند (مالیات) نیست. مالیات است.

رئیس - صورت مجلس ایرادی ندارد؟

(گفته شد خبر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد.

بعضی از نمایندگان - دستور

رئیس - راجع بدستور دو فقره پیشنهاد رسیده است یکی از طرف آقای فرهمند است که قرائت میشود و دیگری هم مال آقای محمد ولی میرزا است.

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم پیشنهاد آقایان نمایندگان راجع به عفو مستخدمین در اول دستور امروز گذارده شود.

رئیس - آقای فرهمند

فرهمند - بنده محتاج به توضیح نمیدانم چندین جلسه در این موضوع مذاکره شده و تصمیم قطعی گرفته نشده مستخدمین هم هر روز در زحمت هستند و اگر جرائد را هم ملاحظه بفرمائید هر روز آنها را به محاکمه می کشند و بنده از وضعیت چند نفر از آنها مطلع هستم که فوق العاده بریشان هستند و اگر با آنها مساعدتی نشود بالاخره بنده گمان می کنم وضعیتشان خیلی سختتر بشود و از بین بروند. این بود که بنده پیشنهاد کردم این مسئله جزء دستور شود و تکلیفش معلوم شود که پیش از این در زحمت نباشند.

رئیس - آقای امیر حسینخان

امیر حسینخان (ایلخان) - بنده عقیده دارم همان دستوری که داشتیم (یعنی فروش خالصجات) خیلی مهمتر است. يك لايجه باین مهمی که تقریباً ناماده هم آن صحبت شده است و پیشنهاداتی هم شده است چیزی نمونده است شور اول آن تمام شود. بنده معتقد نیستم که از دستور خارج شود و يك چیزی که اصلاً مربوط به ما نیست مطرح شود. بنده معتقدم که اگر از روی عاطفه هم باشد مجلس باید اجزاء ادارات را که این اقدامات را کرده اند به بخشد و پیش از این به این جزئیات اهمیت ندهد ولی باینکه لايجه فروش خالصجات از دستور خارج شود و این مسئله که چندان هم مهم نیست بجای آن گذارده شود مخالفم.

- ۲ -

باید شدیداً تعقیب و مجازات بشوند ما به اجزاء و اعضاء جزء ادارات هیچوقت طرفیت نداریم و آنها را هم هیچ مقصر نمیدانیم و میدانیم که اگر مدیر کل يك وزارتخانه رضایت نداشته باشد و اجازه ندهد ممکن نیست اجزاء جزء آن وزارتخانه ببینند اینجا و این اقدامات را بکنند. قطعاً محرکین آنها رؤسای درجه اول آنها هستند و بلکه در درجه اول دولت طرف ما است و ما بادواک باید طرف باشیم مستخدمین در مقابل دولت مسؤولند همه اینها از وظیفه ما خارج است حالا باز آقایان محض جلب خاطر مستخدمین بخواهند این لایحه را تعقیب بکنند بنده عرضی ندارم.

رئیس - آقای زوار

زوار - عرضی ندارم.

رئیس - آقای کازرونی

محمد ولی میرزا (مخبر) - اجازه میفرمائید آقا؟

رئیس - بگذارید آقا بلند شده اند حرفشان را بزنند بعد بفرمائید.

کازرونی - البته بنده منکر فرمایشات اصولی نماینده محترم نیستم لکن یکقدری دقیقاً وارد قضیه بشویم يك قضیه پیش آمد که مستخدمین برای عرضحال خود بنا شد بیایند به مجلس شکایت کنند یا متظلم شوند یا ملتجی شوند. از آنجا که جماعت انبوه فاقد شعور و عقل است، همینکه جمعیت عده اش زیاد شد اداره کردنش يك کار سهل و آسانی نیست. يك صدا هائی از بعضی افراد بلند شد، البته در يك همچو جماعتی تشخیص این که این صداها از کیست و از چه نوع افرادی است کار آسانی نیست و بالاخره اگر چنانچه بمجرد اینکه اینها مجتمع شدند و صدا هائی دادند ما قائل شویم باین که آنها را باید تعقیب کرد بعقیده بنده باینست تمام اشخاصی که اینجا حضور داشتند بگیرند و تعقیب کنند در صورتیکه اینطور نیست. این اولاً غیر عملی است و ثانیاً نباید يك چنین کاری بشود. اصلاً این قضیه اهمیتی نداشته. چیزی نبوده.

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای فرهمند آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر کمیسیون مبتکرات قرائت می شود.

(مضمون ذیل خوانده شد)

کمیسیون مبتکرات طرح پیشنهادی آقای روحی و جمعی از نمایندگان محترم را تحت مذاکره قرار داده از آنجائیکه نظریه نمایندگان محترم اغراض و صرف نظر کردن از جنبه شخصی و خصوصی بوده است طرح پیشنهادی فوق را قابل توجه دانسته و تصویب آنرا از مجلس شورای ملی تقاضا مینماید.

رئیس - آقای دشتی

دشتی - اشخاصیکه باین لایحه مخالفت دارند نه از این لحاظ است که مستخدمین را عفو نکنند. بلکه از این لحاظ است که این اشخاص را مجلس شورای ملی نمیشناسد و مربوط به قوه مجریه است و دولت هم از نقطه نظر احترام مجلس يك عملیاتی کرده و ما ابدأ به دولت تعرضی نداریم. اینکه دولت بد کرده مستخدمین جزء را به نظمی برده یا آن کسانی که مسبب بوده اند آنها را به نظمی جلب کرده اند اینها مربوط به ما نیست. ما اصلاً حق نداریم داخل این قسمتها بشویم. مستخدمین اگر خوب کرده باشند یا بد کرده باشند مربوط به قوه قضائی مملکت است. مجلس شورای ملی يك اعتراضی داشت و آن هم نسبت به رویه دولت بود که چرا دولت چنین کرده است و الا ما از ابتدا هیچ اعتراضی به مستخدمین نداشتیم و اقامه دعوی هم نکرده بودیم که حالا آنها را عفو کنیم. علاوه اینجا به شرافت مستخدمین هم ر میخورند و بنده بعضی از آنها را دیدم که خیلی عصبانی بودند و میگفتند ما کاری نکرده ایم که میخواهید ما را عفو کنید و بالاخره بعضی ها که مرتکب این کار شده اند



تعرضی به کسی نشده . کسی جنایت مرتکب نشده . یکی دو سه نفر را هم که گرفته اند بنده اطلاع کاملی دارم يك نظریات خصوصی اسباب گرفتاری آنها شده که بنده نسبت به یکی از آنها از روی يك نظریات يك حسن عاطفه دارم خودم را هم در این حسن عاطفه ملزم می دانم . در هر صورت يك اصل مسلم دیگری هم هست طرف با اینها مجلس شورای ملی است یعنی میگویند اینها آمده اند در مجلس شورای ملی يك حرفهائی زده اند که وظیفه شان نبوده است در صورتیکه این رویه که در نتیجه ازدحام يك جمعی اتفاق افتاده به مقتضای او ترك ترك يا لوزنك ترك ( هر کدام را بگیرد ) ابدأ این قضیه قابل تعقیب نیست و در هر صورت ملاحظه فرمائید يك عده مستخدم ضعیف یا غیر ضعیف اگر بنا باشد ما بخواهیم اینها را در معرض تعقیب قرار بدهیم این صلاح مجلس نیست صلاح مملکت هم نیست و بنده نظر باطلاعی که دارم استدعا میکنم بعضی نظریات خصوصی را هم کنار بگذاریم .

محمد ولی میرزا ( مخبر کمیسیون مبتکرات ) - بنده توضیحاتی که میخواستم عرض کنم در جواب نماینده محترم آقای دشتی بود و بعقیده بنده موافقت آقای کازرونی صورت دیگری باین قضیه داد . بنده معتقد باین بودم آقای دشتی هم خودشان بطور صریح فرمودند که مقام نمایندگی و بطور اجماع مقام مجلس شورای ملی مافوق و خیلی بالاتر از این است که يك نظر سوئی نسبت بجماعه مستخدمین خودش داشته باشد و در صورتیکه این نظر محرز باشد هیچ محتاج باین اظهارات آقای کازرونی نبود . اینها مصدر يك خبط و اشتباهی شدند که هیچ درش تردیدی نیست ما حق اعتصاب برای مستخدمین خود مان هر گر قائل نبودیم و نشدیم . در هیچ قانونی هم نیست . فقط چیزی که هست اینها مثل افراد ناس در موارد خود میتوانند تظلماتی به مجلس شورای ملی نمایند ولی البته صورت

تظلمات غیر از صورتی است که ما دیدیم و آن صورت غیر از ترتیبی است که متداولاً اهالی مملکت میکنند . با تصدیق این قضیه و با در نظر گرفتن اینکه مقام مجلس شورای ملی مافوق این است که نسبت به مستخدمین خودش کل یا جزء نظری داشته باشد يك قضیه صورت گرفته است و ظاهر کار هم يك طوری شده است و چند نفر هم از طرف پارک و عدلیه در تحت تعقیب در آمده اند . در این موضوع هم بطوری که ملاحظه فرموده اند کلیه نظریه نمایندگان این بوده است که از نقطه نظر شخصی و جنبه خصوصی اگر يك چیزی هم شده است صرف نظر و اغماض فرمایند و از این نظر است که بنده مدافعه میکنم و گمان نمیکنم کسی هم اصلاً مخالف باشد . چنانکه خود آقای دشتی هم در فرمایشاتشان اظهار مخالفتی در این خصوص نکردند و اگر از این جنبه امروز چند نفری را تعقیب میکنند مجلس تذکر میدهد بدولت که از جنبه شخصی و خصوصی اغماض و گذشت کرده و مذاکرات دیگری را هم در اطراف این قضیه شایسته مجلس نمیدانم .

رئیس - آقای بامداد

بامداد - بنده در موقعی که این طرح پیشنهاد میشد امضا کردم ولی وزرای آنوقت با احترام مجلس اقداماتی کرده دسته دسته اعضاء ادارات را میبردند به نظمیه و تقریباً شبیه بحران اداری میخواست ایجاد شود ولی حالا بکلی تمام تبرئه شده اند و کسی باقی نمانده الا دوسه نفر حتی مؤید المملکی که ژلانیان برای دعوت اعضاء درست کرده بود برای تشکیل سندیکا و بامضای خود او بود او را هم محکمه تبرئه کرده و گفته چون مؤسس نبوده و مأمور بوده کاری به او نداریم . فقط دو سه نفر مانده که آنها تحت تعقیب هستند و عدلیه جریان قانونی را دارد تعقیب میکند . حالا ما بیائیم اینجا دو کار بکنیم یکی اینکه قانون بگذاریم برای اینکه قانون اجرا نشود دیگر اینکه برای سه نفر ایجاد طرح قانونی بکنیم حقیقه مخالف عظمت مجلس است . اولاً عفو يك مجاری دارد .

ناباً همین آقایان نمایندگان محترم که اصرار دارند طرح قانونی بگذرد ممکن است از مقام محترم ریاست تقاضا و استدعا فرمایند که خودشان بدولت بنویسند که آنها را تعقیب نکنند اما طرح قانونی در مجلس برای عفو سه نفر حقیقتاً مخالف وظیفه مجلس است

رئیس - آقای شیروانی پیشنهاد کرده اند که این طرح از دستور خارج شود . آقای شیروانی

شیروانی - در این موقع که دولت برای معرفی مجلس آمده است و چند نفر از وزراء کابینه سابق در این کابینه تشریف دارند و میتوانند در این مسائل کاملاً توضیح بدهند و ما معرفی نشده اند نمیتوانند رسماً حرف بزنند و در این موقع مملکت که ماهزار کار داریم بکنفر مستررید را مجلس میخواهد تبرئه کند و کسی دیگر هم تعقیب نمیشود و مقصر نیست فقط مستر رید است و سه نفر ثبات که برای کمک بر رفع تقصیر مستررید در ردیف آنها انداخته اند آنها را هم ما نوشته ایم که ما طرف خصوصی نیستیم و فقط شخص او است که بانی این قضیه بوده است و من نمیدانم ما به چه عنوان اینرا مطرح کنیم؟ بنده پیشنهاد کردم که از دستور خارج شود و در خارج با مقام ریاست مذاکره بکنیم که اصلاً ما این طرح را در تحت چه عنوان میتوانیم مطرح کنیم آنوقت به مجلس بیآوریم

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده اصلاً هم با خروج از دستورش مخالفم و هم با این صورتش . يك قضیه واقع شده است . اگر عنوان مجلس را بخواهیم داخل بکنیم که مجلس دخالتی در قوه مجریه ندارد . وظیفه دولت این است که هر کس را مقصر میدانند تعقیب کنند . مجازات هم بکنند . اشخاصی را هم که خود مان اینجا دیدیم عباراتی هم که گفتند نمیتوانیم بگوئیم اینها مقصر نیستند . يك کاری است که واقع شده دولت هم امروز آمده معرفی میشود البته قضایا را مطابق آن ترتیبی که خود مان دیدیم

تعقیب میکنند آنچه را که راجع بدشخصی است عرض کرده آنچه به شخص بنده راجع است بنده عفو کردم ولی اگر موضوع توهین به مجلس باشد ما نمیتوانیم عفو کنیم . اصلاً چطور ما میتوانیم این قضیه را عفو کنیم که يك عده بیابند توی پارلمان و يك کار هائی که مخالف قواعد مشروطیت و مخالف با احترامات پارلمان است بکنند . دو سه نفر با هر چند نفری را که مستنطق تحقیقات خودشان کرده است معلوم شده که مقصود باید مجازات شوند . هر کدام هم که مقصر نبوده اند اعم از اینکه ما عفو بکنیم یا عفو نکنیم معفو هستند . کسی هم عقب آنها زفته از اینهاست که گرفتار شده اند فقط دو سه نشان معلوم شده که مقصود باید مجازات هم بشوند . اصلاً آمدن این طرح در مجلس چه دخلش چه خروجش معنی ندارد که ما داخل در مذاکره اش بشویم .

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای شیروانی یعنی خروج از دستور آقایانیکه موافقت قیام فرمایند ( اکثر بر خاستند )

رئیس - تصویب شد .

رئیس الوزراء - در تعقیب رأی اعتماد مجلس شورای ملی بر حسب امر ملوکانه بنده حقیر مأمور تشکیل کابینه شدم برای اینکه با آقایان مدنی خودم همکار بودم می شناختم میدانستم تعجیل هم در تشکیل کابینه بامقتضای که هست لازم بود و باید زودتر کابینه معرفی شود ترتیبی داده شده است که بعرض می رسد . آقای انصاری وزیر امور خارجه که فعلاً مأمور هم هستند و در خارج مشغولند . آقای فیروز میرزا وزیر مالیه . آقای تندن وزیر علوم و معارف . آقای داور وزیر عدلیه . آقای اسعد وزیر جنگ . آقای سمیعی وزیر داخله خود بنده هم در خدمت فوائد عامه اهتمام خواهم کرد . پست و تلگراف را هم قریباً به عرض میرسانم مشی دولت یعنی خط مشی دولت هم در اطرافش می بایست يك جلسه گفتگو شود هنوز نشده است . انشاء الله آنها برای روز یکشنبه



بعرض وکلا خواهد رسید

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده اولاً تبریک میگویم آقای رئیس الوزراء را که موفق شدید بریاست وزرانی ایشان و همچنین فرد کابینه ایشان و امیدواریم بتوسط این شخص رئیس الوزراء و افراد کابینه ایشان در این مملکت موفق باصلاحات فوق العاده بشویم و ایشان موفق بشوند اولاً بترویج قوانین اسلامی که بعقیده بنده اول ترقیات ما در تحت این قانون است اول سعادت ما در تحت این قانون است (نمایندگان - صحیح است) آقایان هم که الحمدلله کاملاً میدانند که قوانین اسلامی مخالف باهیچ قسم ترقیات نیست. هرکس عقیده اش بر خلاف این باشد شاید ملتفت از قوانین اسلامی نباشد و امیدوارم که در همان قانون تمام خرابیهای این مملکت اصلاح شود. تمام احتیاجات مملکت مرتفع شود و انشاءالله این کابینه هم نمیتواند خود داری کنند از اضافاتی که همه روزه باین مجلس میآید و دیگر این ملت را اینقدر از دولت دلتنگ نکنند و آن اضافات را بیک مصرف عام المنفعه رسانند که تمام افراد ملت از آن استفاده بکنند و خود آنها هم در ضمن افراد ملت استفاده بکنند. عقیده نداشته باشند که چهارصد نفر یادوسه هزار نفر اجزاء ادارات استفاده بکنند اما می کروور نفوس ایرانی در فقر و فلاکت باشند و انشاءالله امیدوارم بعد که این ترقیات را که دیدم رأی اعتماد کامل بدهم.

رئیس -- خبر شعبه اول راجع بنابنده استرآباد حاضر است. آقای احتشام زاده

(احضار برای قرائت راپرت)  
(خبر شعبه اول راجع بنابندگی آقای معتضدرا از استرآباد آقای احتشامزاده بشرح ذیل قرائت کردند)

در تاریخ ۱۱ اسفند ۱۳۰۴ حکومت استرآباد برطبق قانون انتخاب ۹ نفر اعضاء اصلی انجمن نظارت مرکزی

انتخابات و نه نفر اعضاء علی البدل اقدام نموده پس از انتشار اعلان و تعیین اوقات توزیع تعرفه و اخذ رأی شروع با انتخابات شده در شهر استرآباد و حوزه های فرعیه ۹۴۵۰ رأی اخذ و در تاریخ چهارم فروردین ۱۳۰۵ شروع بقرائت آراء گردیده و کلیه آراء حوزه ها جز آراء بندر جز قرائت شد نسبت با آراء بندر جز شکایاتی رسیده بود و پس از تحقیقات معلوم شد بدون اینکه رسماً مقررات حکومت نظامی در بندر جز ملغی شده باشد انتخابات به عمل آمده و سه روز علاوه بر مدتی که از طرف انجمن مرکزی تعیین شده اخذ رأی بعمل آمده است علیهذا انتخابات بندر جز ملغی و قرار تجدید آن داده شد و بملاحظه احضار حکومت استرآباد و ادامه حکومت نظامی در بندر جز تجدید انتخابات آنجا باسفند ۱۳۰۵ موکول شد و در تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۰۵ انتخابات بندر جز نیز خاتمه یافته و بر طبق مقررات قانون یک هفته برای قبول شکایات و بکفایت برای رسیدگی بشکایات تعیین گردید در موقع رسیدگی بشکایات معلوم شد آراء حوزه ملک با تطمیع تهیه شده است باین جهت انجمن نظارت مطابق ماده ۴۷ قانون انتخابات آراء حوزه ملک را بی اعتبار دانسته از مجموع آراء قرائت شده که صحت آنها را انجمن تصدیق نموده آقای معتضد استرآبادی را با ۴۴۷۳ رأی بنابندگی استرآباد معرفی مینماید

شعبه اول در جلسات عدیده بدوسیه انتخابات استرآباد رسیدگی نموده بنابندگی آقای معتضد استرآبادی را با اکثریت تصویب و اینک راپورت آن تقدیم میشود

رئیس -- آقای زوار  
زوار - مخالفم  
رئیس -- آقای افسر  
افسر - بنده هم مخالف بودم چاپ شود تا جلسه بعد

عرض کنم

رئیس -- خبر کمیسیون مبتکرات قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

کمیسیون مبتکرات طرح پیشنهادی آقای دکتر طاهری و جمعی از نمایندگان محترم را در تأسیس يك باب مدرسه متوسطه شبانه روزی تحت مذاقه قرار داده قابل توجه بودن آن را برای تصویب پیشنهاد مجلس شورای ملی می دارد.

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس -- آقای طاهری

دکتر طاهری - موافقم

رئیس -- آقای فهیمی

فهیمی - موافقم

بعضی از نمایندگان - تنفس

رئیس -- چند دقیقه تنفس داده میشود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - چه چیز مطرح است؟

رئیس -- خبر کمیسیون مبتکرات

آقا سید یعقوب - عرض کردم موافقم

رئیس -- آقای فهیمی

فهیمی - موافقم

رئیس -- مخالفی ندارد؟

بامداد - چه چیز؟

رئیس -- خبر کمیسیون مبتکرات

(خبر کمیسیون مبتکرات راجع بتأسیس مدرسه شبانه روزی مجدداً بشرح سابق قرائت شد)

رئیس -- آقای افسر

افسر - بنده موافقم

رئیس -- آقای شیروانی

شیروانی - موافقم

رئیس -- آقای زوار هم موافقتند؟

زوار - بلی

رئیس -- باید رأی گرفته شود آقایانیکه این طرح را

قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه شد. لایحه فروش خالصجات از

ماده نهم مطرح است آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - قرائت شود.

رئیس -- مذاکرات در جلسه گذشته شده است چون

عده کافی نبود بقیه مذاکرات موکول بامروز شد.

آقا سید یعقوب - بله راجع به دیون است. دیون

مسلم است. باز فرمایشاتی آقای شیروانی بیان کردند.

بنده ناچارم آنجا بیایم عرایضم را مفصل عرض کنم

(در اینموقع در محل نطق حاضر شدند) بنده توجه

می دهم آقای شیروانی را بآن چیزیکه آروز فرمودند که

خیر ما نمیتوانیم این مسئله را به قانون سابق قرار

بدهیم. بنده عرض کردم در قوانینی که از مجلس میگذرد

قطع نظر از اینکه وزراء بقانون نگاه نمیکنند يك فروعی

پیش خود ترتیب می دهند که اصل قانون از موقع

انشاء تا اجرا بقدری تفاوت دارد که هیچ نمیشود با هم

مقایسه کرد. در صورتیکه انشاء قانون غالباً بقدری

سهل و ساده و خوب و برای مملکت مفید است که

بهرتر از آن نمیشود. مثلاً همین دادن دیون دولت

دادن دیون دولت لفظش بسیار خوب است ولی بنده

خواستم عرض کنم که اگر بقتدری ما نتایج را نگاه

کنیم می بینیم که مظلوم تر از دولت در دنیا کسی

نیست. «لفظ دولت» بکوفتی بنده رفتم مشهد. گفتند

حضرت رضا قرض دار است. هرچه فکر کردم که



حضرت رضا اردو کشی کرده؟ سفری کرده! چه شده است که حضرت رضا قرض دارد! گفتند صد و بیست هزار تومان حضرت رضا قرض دارد. دارالشفا درست کرده؟ مدرسه درست کرده؟ راه آهن درست کرده؟ خیر لیکن حضرت رضا قرض دار است بنده بعد فهمیدم که يك عده در آنجا با اسم اینکه خدمت حضرت رضا هستیم تمام موقوفات را بلعیده اند آنوقت حضرت رضا مقروض است. فریاد زدم حضرت رضا را بدانم نکنید عین این مسئله آقای شیروانی بسر مبارک خودتان قسم برای دولت است. يك اشخاصی میگویند ما طلبکاریم دولت ایران صد سال است بيك جانی اردو کشی کرده است؟ راه آهن ایجاد کرده است؟ يك مؤسسه عام المنفعه ایجاد کرده است؟ يك کاری کرده است که بگوئیم دولت ایران قرض دار شده است؟ با چنین جنک کرده است. که اینکار را نکرده است؟ راه آهن از این طرف ایران بآن طرف ایران درست کرده است که این کار را نکرده است! صد اهواز را هم که نبسته است بقول شما متجددین يك دارالفنون عالی هم که حقیقه علوم عالی در آنجا تحصیل بشود درست نکرده است. مریضخانه هم که درست نکرده است معذک هر سالی هم مالیات گرفته اند هر سال هم ملت ایران که خیلی مطیع و متقاد است تمام مالیات هائی را که تصور بشود با آن زوائدی که مأمورین مالیه میگیرند همه را داده است از قبیل رفیق محصل و مأمورین در خانه های رعیت و تمام اینها. باز می گویند دولت مقروض است آخر ای داد بیداد این دولت چطور مدیون است! آب وقت این اسم مقدس دولت بقدری مظلوم است که بکنفر طرفدار برایش پیدا نمیشود لیکن باسم دولت این دین ها را درست کرده اند. آقا دولت ایران چطور مدیون است؟ کی مدیون است؟ یکمده جمع میشوند باسم دولت تمام پول ها را میکنند نوي جیبشان و میگویند دولت مدیون است. بنده عرض میکنم باید يك قدم های اساسی

بردارید. بنده باین کمیسیونهائی که در وزارت خانها تشکیل میشود برای تعیین دین دولت ابدأ عقیده ندارم همانطور که در دوره سوم معین شد کمیسیون تطبیق حوالجات بنظارت مجلس باشد. يك کمیونی از مجلس معین می شود بروند آنجا بنشینند و معلوم کنند که این دولت بد بخت که صد و چهل صد و پنجاه سال است می گویند دولت مقروض است. دولت بده کار است. دولت فلان است. به کی بده کار است؟ باسم دولت و باسم شیر و خورشید مقدس کجا دولت اردو کشی کرده است که قرض پیدا کرده؟ اینهم بعینه مثل همان خدمت حضرت رضا است که باسم حضرت رضا را قرض دار کرده اند حالا دولت ایران را هم قرض دار کرده اند. این کله (دیون مسلم دولت) این قانون را هم بر می اندازد بعینه همان چهار میلیونی که در دوره پنجم رأی دادیم این را هم بکلی از بین میبرد. این ماده زائدی است و بنده هیچ باین داده عقیده ندارم آقا ما میگوئیم مرجع نظامات عمومی عدلیه است بودجه اش را هم که گذرانیم اختیاراتی هم که دادیم. همینطور که اگر بنده کاری داشته باشم باید بروم در عدلیه دیگران هم اگر عرضی دارند باید بروند آنجا. برای دولت هم فرقی نمیکند متداعین هر کس است باید برود عدلیه. مرجعش عدلیه است. این کار را بکلی از مالیه بگیرد و از دستش در بیاورد هر کس از دولت طلب دارد. برود در عدلیه (صحیح است) بنده هیچ عقیده ندارم برود در مالیه. آقا طلب کار کیست. خودم! بده کار خودم! طرفین دعوی خودم! قاضی خودم! مأمور خودم! مجری خودم این هیچ نمیشود. بهیچ قانون قضائی در دنیا نمیشود این کار را کرد. دیون را نگاه کنید. مأمور مالیه طلب کار است! تحصیلدار طلب کار است! مستاجر خاصه طلب کار است! من نفهمیدم. پس سوء استفاده میشود در این قانون و بنده عقیده بنوشتن این کله دیون مسلم دولت ندارم و هیچ صحیح نیست و باز هم تکرار

میکنم (آقای شیروانی توجه داشته باشید چون این عرض بنده را تردید کردید باید بیشتر متوجه باشید) هر کس طلب از دولت دارد برود در عدلیه اقامه دعوی کند و بگیرد.

شیروانی (مخبر کمیسیون بودجه) - موضوعی را که نماینده محترم اینجا اظهار میفرمایند دو قسم است یکی راجع به اصل تشخیص دیون دولت است و یکی اینکه مرجع رسیدگی کجا است. در قسمت اخیر بنده هم کاملاً با ایشان موافقم که مرجع رسیدگی بدعاوی عدلیه است و متداعین اعم از دولت یا غیر دولت باید بروند بمحاکم صالحه مراجعه بکنند. این محل تردید نیست اما بعنوان اینکه چند فقره با فقرات از دیون دولت ممکن است يك پولهائی بی اساسی باشد و ما يك مرتبه زیر دیون دولت بزنیم. بنده در خارج هم عرض کردم که دیون دولت را مامیتوانیم بچهار قسمت تقسیم کنیم و اگر دولت هم در این باب لواجبی برای تصویب بمجلس بیاورد اگر تحت این چهار عنوان باشد بعقیده بنده هم ما زودتر میتوانیم رسیدگی کنیم و هم اگر يك قضائی بکنیم قضاوت عادلانه است: بکنوع از دیون دولت دیونی است که مردم یا پول یا جنس بدولت داده اند و دولت هنوز پس نداده. این عیناً مثل این است که پول یا جنس بيك شخصی داده باشند و او پس نداده باشد. دولت باید حتماً مال مردم را بدهد اعم از اینکه طرف دولت مظلوم باشد (بفرمایش جنابعالی و بعقیده بنده ظالم) یا کسی دیگر. يك قسمت دیگر تعهداتی است که دولت با امضای خودش در مقابل اتباع داخله کرده است این تعهدات را اگر شما با يك نفر دیگر کرده باشید طرف مقابل شما را میبرد عدلیه و از شما حق خودش را میگیرد. این را هم بنده معتقد هستم در درجه دوم از دیون دولت باید قرار داد. يك قسم دیگر از دیون دولت که در درجه سوم است که باید بعد بیاورند و حالا جلو انداخته اند و همه ما ها را بد بین کرده اند تعهداتی است که دولت در مقابل حقوق

مستخدمین خودش کرده است که پس از پرداخت دیون حقیقی دولت باید بانها هم رسیدگی شود و اگر يك مستخدمی خوب خدمت کرده و مواجب نگرفته باشد باو داد. اما دین حقیقی یعنی آن پول ها و اجناسی که مردم داده اند بدولت و هنوز نگرفته اند باید پرداخت شود. يك فقره دیگر از دیون دولت که بنده نمیتوانم در این باب قضاوت کنم آن دیونی است که در مقابل قبوض مستمری است که مردم پول داده اند بصاحبان آنها و حالا يك قبوضی در دستشان است که میروند از مالیه مطالبه میکنند. بنده نمیتوانم این چه صورتی دارد. در هر حال مردم يك معامله در بازار کردند و باید برای آنها فکری کرد اعم از اینکه بنده معتقد نباشم که مستمری از دیون دولت است یا باشم. این چهار فقره را درجه بندی بکنند اول مال مردم را که گرفته بدهد بعدیه تعهدات خودش رفتار کند و بعداگر در درجه سوم و چهارم آن دو قسم دیگر را قرار بدهند این اشکالات پیش نخواهد آمد ولی در هر صورت بعقیده بنده همانطور که در مقابل دیون خارجی گفتیم دولت باید امضای خودش را حفظ کند در مقابل دیون داخلی هم بنده معتقدم که دولت باید امضای خودش را حفظ کند و اما ارتباط این اظهار با این ماده. آقای آقا سید یعقوب معتقدند که لزومی ندارد ما این املاک را ببعوض دیون به اشخاص بدهیم بعد از آنکه در همان مرجع صلاحیت دار که عدلیه باشد دین دولت نسبت بيك شخصی مسلم شد بنده و اکثریت کمیسیون که ایشان هم آنجا تشریف داشتند و مخالفت کردند اینطور صلاح میدانیم که دین مسلم دولت را که يك مقام صلاحیت داری صحبتش را تصدیق کرده باشد اگر در مقابل آن املاک خالصه بدهند خیلی صلاحیت دارد. زیرا در اینجا ما دو کار کردیم بلکه سه کار مهم انجام داده ایم یکی دین دولت را پرداخته ایم یکی املاک مخروبه را بدست يك اشخاصی داده ایم و



آنها را آباد کرده ایم که در نتیجه مملکت را آباد کرده ایم و یکی هم در مملکت کار ایجاد کرده ایم آن کسیکه طلبش از دولت مسلم شد و آمد در مجلس شورای ملی و تصویب شد و خواست پول بگیرد آن پول نه آبادی برای مملکت میشود و نه کار. زیرا آن پول از بین میرود ولی اگر ما آن پول را گرفتیم و گذاشتیم در بانک و در مقابل باو ملک دادیم و گفتیم برو آباد کن این صلاح مملکت است. چون یکمقداری از املاک آباد میشود و آن کسی هم که از دولت طلبکار است بکفر ملاک کار داری میشود که از اطراف میز ادارات ما خواهد رفت. بنابراین بنده معتقد هستم اگر دیون دولت را درجه بندی کنیم و مرجع صلاحیت دار هم تشخیص دهد و مجلس شورای ملی هم تصویب کند آن دین را باید در مقابلش از نقد املاک چندینکه آقای مدرس گفتند باو داد.

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - موافقم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
کازرونی - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات  
رئیس - بفرمائید

کازرونی - عرض کنم تصدیق می کنید که يك اکثریتی هست برای گذشتن این ماده لیکن اقلأ اجازه بدهید مخالفین این ماده نظریات خودشان را بگویند. اینطور خفه کردن افکار شأن مجلس شورای ملی نیست. بنده عقیده ام این است که هنوز مذاکرات بآن اندازه نرسیده که کافی باشد بنا بر این استدعا دارم اجازه بدهند هر کس نظری دارد بگوید بعد هم البته اکثریت موافق است رأی هم میدهد تصویب هم میشود و میگذرد. اما این اجازه را بدهید که دردهای دل خودشان را اینجا اظهار کنند

رئیس - عده برای رأی گرفتن کافی نیست

رجوع کنید بوزارتخانهها و اداره پرسنل وزارتخانه ها به بینید صبح تا شام مشاغل آقایان منحصر است بهمین چیزها. این دو سه ساعتی که يك مرکز توفیقی است کارشان همین است که انجام میدهند. دیگر از جمله چیزهایی که معمول شده وضع مالیات است در تحت عنوان اینکه مملکت پول میخواهد زوت میخواهد. اعتبار میخواهد. هی مالیات وضع میکنند در صورتیکه مالیات باید از هسقی گرفته شود نه از نیدی. مالیات را باید از مردمی بگیرند که اقلأ قوت لایموت داشته باشند لیکن همه آقایان تصدیق میکنند که اکثریت مردم ایران قوت لایموت ندارند دلیل هم که خدا بدهد برکت. این کتب دلائل ما لایمتناهی است! من نمی فهمم بعضی چه؟! از روی چه اصلی است؟! گاهی شرعی میآید. گاهی عرف میآید گاهی صوفی میشود. گاهی اخلاقی میشود. گاهی فلان میشود دلائل هم که عقب سر هم متراکم میشود بسیار خوب. حالا هم طرفداری میکنیم از اینکه روح مملکت حیوة جامعه بسته بد این است که دیون را ادا بکنیم. اعتبار میخواهیم اعتبار هم بسته است بدان دیون و همچنین الی آخر. خدا بدهد برکت دلیل بیا اینجا نحویل بگیر. البته اگر دولت يك دیون مسامی دارد باید تأدیه شود اما مشخص کی باشد؟ نمیدانم من باب مثل عرض میکنم که در ادارات ما چه کارها میشود. يك قبالة جعلی درست میکنند و يك بست و بندی با رئیس اداره مربوطه میشود و آن قبالة را می برد نشان میدهد و تصدیق میگیرد که قبالة به این سفتی که مطابق این مسوده است بن تسلیم شد مسوده را اعضاء می کنند می دهد دستش و میگوید قبالة پیش من است بعد از چندی میگوید قبالة که بمن داده بودی گمشد مدرک چیست؟ مدرک مسوده است آیا معمول است یا غیر معمول چه عرض کنم ولی ملک را تصرف کردند و تمام شد از این مقوله بسیار است آقایان هم میدانند و همه واقف و دانا و بینا هستند و

معدلك نمیدانم چرا غمض عين میشود؟! چرا صرف نظر میشود؟! فلانکس این جا طلبکار دولت است کی مشخص است؟ اداره مربوطه. شعبه مربوطه. آنها تصدیق میکنند که فلانکس طلب دارد. همینکه گفت طلب دارد پول نقد هم باید به او داد. چیزی نیست يك ملك شش دانك. يك ملك خرابه باید آباد شود. يك خرابه می گذاریم روی این يك آبادی می گذاریم آنجا - این دو تارا وقتی بهم وصلت بدهیم ببینید چقدر خوب میشود میگوئیم این ملك خرابه است آن شخص میرود آباد می کند و مملکت نتیجه میدهد. بسیار خوب به به چیزی بهتر از این میشود؟ آنوقت نتیجه این میشود يك ملك شش دانگی را منت و مسلم یکی از رفود زده و خورده. پس چه باید کرد. بنده عرض میکنم ما میخواهیم معامله کنیم. معامله باید قبودش کم باشد. هرچه قبود کم باشد مشتری زیادتر است و رقابت آورتر است و بیشتر و بهتر و زودتر فروش میرود شما بده دارید به تشخیص مرجع تظلمات عدلیه است مراجعه کنند به عدلیه عظمی اگر آنجا تشخیص دادند که فلانکس طلب دارد طلبش را بدهند. از خزانه عامره بپردازند. ملك دارید بفروشید بدون قید و بدون شرط و بدون اینکه در این جا اسباب دسیسه و حيله و تزوير و پشت هم اندازی فراهم آید برای بردن ملك. برای اینکه تشخیص الان در خارج دهن ها را باز کرده اند این املاک را به بلعند آقا: این املاک را بگذارید بمزایده هر که بیشتر خرید بار بفروشید. تبعیض هم قائل نشوید مثلاً شاگردان مدرسه. اینها حق اولویت دارند. بنده بچه پنج شش ساله ام را میفرستم مدرسه...

شیروانی - بفرستید.

کازرونی - جانم معارف. هی هی. من چیز دیگر میخواهم عرض کنم...

شیروانی - وکیل پشت تریبون معارف! مسخره میکنند!!



کازرونی - هیچکس را مسخره نکرده ام بنده عرض می کنم مردم برای دسیسه بچه شاف را می فرستند مدرسه ...

شیروانی - ربطی بمدرسه ندارد

کازرونی - نه برای مدرسه که جنابعالی طرفدارش هستید و بنده هم این را نمیگویم. برای این قسمت که میگوئید آنها پنج ساله باید بدهند و دیگران ده ساله. دسیسه می کنند برای بردن ملک ولو موقت باشد بچه شان را می برند آن جا. شما چرا تبعیض قائل می شوید؟

بنده مشید معارفم. اما میگویم دسیسه در این کار نباید راه داشته باشد. من این را میخواهم بگویم. تبعیض قائل نشوید. شما میگوئید در این املاک زارعین و فلاحین حق اولویت دارند و پنج ساله باید بدهند. تصور بفرمائید آیا بکنفر صاحب پول هست که نتواند بکنفر زارع از اهلی محل را در کار بیاورد و با او تباخی بکند و يك استفاده غیر مشروعی بکند؟ بنده با این تبعیضات مخالفم و بالاخره بضرر مملکت تمام میشود و این املاک را هم در نتیجه يك عده میبرند و میخورند و چیزی هم عاید دولت نخواهد شد.

مخبر - بنده قصد نداشتم که دفاع از فرمایشات آقای کازرونی را هم بنده تعهد کنم و میخواهم سایر موافقین فرمایشات ایشان را جواب بدهند ولی تخصص آقای کازرونی در تمام علوم و مسائل مملکتی بنده را وادار کرد بیایم چند کلمه جواب بدهم. آقای کازرونی فرمودند که طلب های مزخرف و املاک آباد شده بنده بالاخره طلب مردم و ارتباط با املاک خراب و آباد شده را نفهمیدم چیست! ما در این ماده نوشته ایم که اگر يك مؤمن ایرانی حتماً از دولت طلبکار شد و يك محکمه صالحی تصدیق کرد طلب او را. باید طلبش را داد. یعنی چه! بازی درآوردن از طرف دولت را برای طلب مردم تشویق میکنند! این چیز عجیبی است! دولت را

تشویق می کنند باینکه مال مردم را بخورد! خیر. ما باید دولت را تشویق کنیم که طلب مردم را بدهد. چیز عجیبی است! میفرمائید دولت طلب مردم را ندهد! البته طلب واهی را نباید داد. از این جهت ما در اینجا نوشتیم دولت طلبی را باید بدهد که در يك محکمه صالحه تصدیق شده باشد. خوب! وقتی که يك محکمه صالحه طلب مردم را تصدیق کرد آنوقت دیگر فرق نمیکند که پول باو بدهند یا ملک. منتهی ما ترجیح میدهم که ملک حق آباد ترين و نقد املاک را به او بدهند. این املاک ارث پدر بنده و جنابعالی نیست. بلکه يك مشت املاکی است که دست حوادث برای ما تهیه کرده و در دست دولت افتاده است. عقیده بنده این است که اصلاً این املاک باید بین مردم تقسیم شود (این عقیده شخص بنده است) ولی چون حالا این عقیده اکثریت ندارد عرض نمی کنم. ولی حالا چرا شما یقه نان را باره می کنید که در مقابل بده دولت ندهیم!؟

کازرونی - بنده تکذیب میکنم

شیروانی - اما راجع به حق تقدم. آقای کازرونی همیشه عادتشان این است که هر وقت پشت تریبون میایند مدرسه و علم را مسخره میکنند و این حق يك وکیل نیست وکیل باید همیشه از اشخاصی که میروند و تحصیل میکنند تشویق کند. میفرمایند دسیسه میکنند و بچه شان را مدرسه میگذارند. بنده معنای این دسیسه را نفهمیدم چیست؟ چطور مردم دسیسه میکنند و بچه شاف را مدرسه میفرستند؟ ما برای تشویق مخصوصاً اینطور قرار دادیم تا مردم بچه شان را مدرسه فلاحیت بفرستند و عقب زراعت و فلاحیت بروند و از آن مدرسه که عضو اداره سازی درست میکند که خودتانهم بآن عقیده ندارید روند از این جهت بود که ما حق تقدمی برای اشخاصی که بچه شان را مدرسه فلاحیت می فرستند قائل شدیم. خوب! کجای این مسئله دسیسه است؟ اگر تمام دسیسه ها این

طور باشد که مردم دسیسه کنند و بچه شان را بمدرسه بفرستند خیلی خوب است و بنده این قبیل دسائس را که مستلزم آبادی مملکت است مشروع میدانم و عقیده دارم که باید این ها را تشویق نمود.

در هر صورت ما معتقدیم که بالاخره طلب مسلم مردم را دولت باید بدهد. و از نقد املاک هم بدهد و هر کس هم که دسیسه میکند و بچه اش را مدرسه فلاحیت میفرستد باید مقدم باشد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

کازرونی - آقای عرابض بنده را سوء تفسیر فرمودند بنده باید توضیح بدهم.

رئیس - توضیح نظامنامه دارید بفرمائید.

کازرونی - از رفیق محترم خودم آقای شیروانی استعفا میکنم که اظهارات را طور دیگر تفسیر و تعبیر نفرمایند بنده عرض نکردم هر کس بچه اش را مدرسه میفرستد دسیسه میکند. بنده عرض کردم ولو بطور موقت هم باشد برای بردن ملک شدائدک اطفالشان را مدرسه می فرستند. اما اگر بنویسید برای فارغ التحصیل های مدرسه فلاحیت خیلی خوب است. ولی مطلقاً نگویید بنده خوب نیست. زیرا ممکن است يك کسی ده روز برود بمدرسه و بان وسیله حق تقدم پیدا کند برای بردن ملک و بعد مدرسه را ول کند. بنده مقصودم این بود و الا با معارف مخالفی ندارم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود

(بترتیب ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای دشتی: ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد می کنم.

اراضی باثری که اداره مالیه در خوزستان با اشخاص مختلفه بشرط نصب نایب و اعیان آن واگذار کرده و مشغول اعیان آن هم شده اند به آنها مجاناً واگذار میشود

و همچنین اراضی بار فعلی مجاناً با اشخاص واگذار میشود که نصف آنرا در سال اول مزروع نمایند.

پیشنهاد آقای مدرس: پیشنهاد میکنم ماده ۹ بترتیب ذیل نوشته شود:

هرگاه یکی از طلبکاران مسلم دولت که از اتباع ایران میباشد در صد خربداری ملک خالصه برآید دولت معادل مبلغی که لازم التادیبه باشد از املاک خالصه بمشارالیه اعطاء خواهد نمود.

تبصره - در صورتیکه ملکی از املاک خالصه به ترتیب مقرر در مواد (و رعایا شرکاء - و اهالی قراء ساکن و مجاور و ایلات که تحت قاپو شوند و اشخاص خارج که نقداً خربداری کنند و طلبکاران مسلم) بفروش زفت و یکی از اربابان مستمری و شهریه قانونی که از اتباع ایران می باشند حاضر بجهت خربداری ملک خالصه شوند دولت معادل چهار برابر حقوق سالیانه او از املاک خالصه بمشارالیه اعطاء خواهد نمود و حقوق او تا بازده سال از خزانه دولت گرفته و جزو سرمایه بانک خواهد شد.

پیشنهاد آقای مپرممتاز: بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده نه اضافه شود با رعایت ماده چهار.

پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب: پیشنهاد میکنم که ماده نهم حذف شود.

پیشنهاد آقای دهستانی: بنده پیشنهاد میکنم تبصره ماده ۹ بطریق ذیل اصلاح شود:

تبصره - معادل مبلغی که در حساب دیون دولت بابت قیمة خالصجات محسوب میشود از خزانه دولت به بانک مسترد و سرمایه اضافه خواهد شد.

پیشنهاد آقای عدل - تبصره ماده نه را بقرار ذیل اصلاح مینماید:

معادل مبلغیکه در حساب دیون دولت بابت قیمت خالصجات محسوب میشود بابت سرمایه بانک از خزانه نحویل بانک خواهد شد



پیشنهاد آقای ثابت - پیشنهاد می‌توانم ماده نهم و تبصره حذف شود.

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد می‌کنم که ماده نهم این قسم اصلاح شود.

ماده نهم - هرگاه یکی از طلبکاران مسلم دولت که طلب ایشان بتوسط عدلیه ثابت شود و بتصویب مجلس شورای ملی برسد تا آخر ماده

پیشنهاد آقای فرهمند - بنده پیشنهاد میکنم ماده ۹ حذف شود.

پیشنهاد آقای جمشیدی.

ماده نه را به طریق ذیل اصلاح و پیشنهاد می‌نمایم

ماده ۹ - هرگاه یکی از طلبکاران مسلم دولت که از اتباع ایران بود و طلب خود را در محکمه عدلیه ثابت کرده باشد در صدد خریداری یکی از املاک خالصه بر آید مالی آخره.

پیشنهاد دیگر آقای مدرس .

ماده الحاقیه - کلیه املاک خالصه زراعتی که فروخته میشود دولت مکلف است که بضمیمه بذر معمول آن ملک بفروش برساند .

ایضاً پیشنهاد آقای مدرس .

ماده الحاقیه - اشخاصی که بعنوانی از عناوین دارای ملک خالصه میشوند چه بلاواسطه چه بواسطه تبعه ایران خواهند بود .

ایضاً پیشنهاد آقای مدرس .

ماده الحاقیه - اشخاصی که ملک خالصه را با قسط خریداری می‌نمایند قسط اول را باید نقداً بپردازند و همیشه هر قسطی را که دادند معادل آن قسط از ملک می‌توانند بغیر منتقل نمایند .

پیشنهاد آقای کازرون .

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۹ و تبصره حذف شود

رئیس - ماده ده قرائت میشود .

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده دهم - برای فروش املاک مزبور صورتی با تعیین حد اقل قیمت هر يك از آنها مطابق ماده ۲ تهیه و در تمام مملکت بوسیله جراید و غیره برای مزایده انتشار خواهند داد .

رئیس - آقای بامداد

بامداد - بنده با این لایحه کاملاً موافق بوده و هشتم و مخالفم با این ماده نه برای این است که معتقد باشم املاک باید در دست دولت بماند . خیر بنده این عقیده را ندارم . زیرا علاوه بر اینکه دولت فلاح و زارع خوبی نیست اگر این املاک در دست مردم باشد خیلی آبادتر و بهتر خواهد شد .

چنانکه املاک خورده مالک خیلی از املاک خصوصی آبادتر است .

ولی بنده عرض میکنم ما باید يك وسائلی فراهم کنیم که حق الامکان مأمورین دولتی با مردم کمتر اصطکاک پیدا کنند . در اطراف این لایحه چه در موقع شور در کلیات و چه در خلال مذاکره در مواد يك مذاکرانی شد بعضیها اصلاً مخالف با فروش بودند و بعضی از آقایان اظهار میفرمودند که این املاک باید مجاناً بین رعایا و زارعین تقسیم شود . يك عده هم که موافق بودند با فروش اظهار نگرانی می‌کردند از این که پولش چه خواهد شد . و تصور میکردند که افراط و تفریط میشود . از این جهت نگران بودند و بجهت همین نظریات و نگرانیها این لایحه گرفتار تعلل شد و تا بحال مانده و شور اولش هنوز تمام نشده در صورتیکه بعقیده بنده یکی از بهترین لوایحی است که در دوره ششم بایستی تصویب شود . بنده يك نظری اتخاذ کرده ام که لازم است عرض کنم . این نظر هم اختراع و ابداع خودم نیست بلکه يك وقتی با جماعتی از متخصصین در يك جائی

واقع شدم . در آنجا اظهارانی شد . و بعد بنده مسئله را تعقیب کردم و خصوصیاتش را پرسیدم و در اینجا هم با آقای دهستانی مشاوره کردم و چون شور اول است حالا عرض میکنم و در معرض افکار آقایان میگذارم برای اینکه در اطرافش يك مطالعاتی بشود و اگر خوبست انشاءالله بآن عمل شود و همچنینطور لایحه را تنظیم کنند این نظریه جمع میکنند مابین تمام نظریات را که ملك فروخته اشود و در دست دولت هم نماند و مستلزم آبادی هم هست و از آن طرف منافعی را هم که دولت از خالصه میبرد آن منافع را هم خواهد برد بدون اینکه چیزی برود چه تحمیل شود و بودجه‌اش هم صرفه جویی میشود . دولت تاکنون چندین قسم در املاک خودش معامله میکرده . يك قسم فروشی بوده به اینطور که مثلاً صد اشرفی میگرفته و املاک را میفروختند . این فروش قطعی است و بطور بیع قطع تمام شد . يك قسم فروش بشرط است که مبدأ خالصجات انتقالی است . و يك قسم هم اصول پنج و دو است . . .

آقای سعید یعقوب - شور در کلیات است ؟

بامداد - در ماده است . باماده مخالفم . قسم دیگر یکی تقسیم جریبانه و یکی هم اصول بالمقاطع است . تمام باغات شهریار و باغات خالصجات حومه با اصول جریبانه اداره میشود . جریب هزارو دویست ذرعی و دوهزارو چهارصد ذرعی . دولت از اینها از دوربال تا دوازده قران و دهشاهی میگیرد . ملك اساساً مال دولت است ولی برگذار کرده و در ازاء آن از هر جریبی از دوربال تا دوازده قران و ده شاهی میگیرد . و صاحب باغ هم از هر باغی در سال پنجاه شصت تومان میوه میفروشد . و در عین حال در شهریار دولت صد هزار جریب دیگر هم دارد که باید بیع و دو و اصول مالکانه معامله میکنند و هیچ فایده هم ندارد . - یکی هم اصول مقاطعه است و در خیلی از نقاط هست که حسب المقاطعه عمل میشود . چندین نقطه در اطراف شهر هست مثل

کلاک نزدیک کرج . فشند . شفیق آباد شهریار . که در این نقاط بطور مقاطعه عمل میشود . و همانطور که از زمان حاج میرزا آقاسی معمول بوده عمل میشود اگر چه گاه گاهی يك تعدیاتی از طرف مأمورین مالیه بانها میشود ولی ملاحظه کنید آباد ترين املاک است

زمین را صاف میکند با داماش خاک میرزد و زحمت میکشد و زراعت میکند . چرا ؟ برای اینکه مال خودش است بنا بر این چون این نظریه را بنده از اهل خبره اتخاذ کردم و با آقای دهستانی هم مذاکره و مشورت کردم در این مورد که تصمیم بفروش خالصجات شده بنده لازم دانستم این نظریه را عرض کنم که از فروش خالصجات صرف نظر شود و اینطور بشود که با حسب المقاطعه یا بطور جریبانه واگذار شود و این بهترین طرق است . ولی مشروط بر این که ترتیب و تعدیلی شود که تعدی برعایا وارد نیاید . و اگر این ترتیب بشود به عقیده بنده جمع بین تمام نظریات خواهد شد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده در مقابل فرمایشاتی که آقای بامداد کردند ناچارم چند کلمه عرض کنم . بنده گاهی مسئله اخطار نظامنامه را عرض کرده ام ولی بینی و بین الله خود آقای بامداد ملتفت بودند که این مذاکراتی که فرمودند مذاکره شور در کلیات بود ؟ بنده هرچه فکر میکنم نمیدانم چه بود نا جواب عرض کنم .

اگر این مذاکرات را در شور کلیات آخر میفرمودند و در آن موقع اظهار میکردند که این املاک را نباید بفروشیم و خوبست بمقاطع بدهیم باز يك فلسفه داشت ولی در این موقع وارد نبود - اما فلسفه این ماده فی حد نفسه این است که مطابق قانون دیوان محاسبات تمام اموال دولتی که بفروش میرسد باید بطور مزایده باشد . راه مزایده هم اعلان است تا اینکه مردم ملتفت شوند . ولی نقصانی که در این جا هست این است که مدت معین نشده بنده کاملاً بخاطر دارم که در کمیسیون هم



در این باب مذاکره شد ولی گفته شد که نمیتوان مدتی برایش معین کرد. زیرا خالصجات دولت زیاد است و در تمام ایالات و ولایات مقدار زیادی خالصه است که نمیتوان بطور قطع يك مدتی برایش معین کرد. و راه این مسئله اینست که هر ساله بترتیبی که نظامنامه معین خواهد کرد در تمام ایالات و ولایات و قصبات و دهات اعلان کنند و به مزایده بگذارند. مزایده يك اصول مسلمی است که مطابق با قانون محاسبات است و هیچ اشکالی هم ندارد. جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. کارزونی - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم. رئیس - بفرمائید.

کارزونی - در اینجا هیچ معین نشده که مدت اعلان چند وقت است. آیا شش ماه بعقیده آقایان کافی است یا نه؟ نظر باینکه خالصه دولت در تمام اقطار مملکت زیاد است و بطوریکه در این لایحه در نظر گرفته اند. باید بدقیقین هم فروخته بشود و بنده عقیده ام این است این مدتی را که برای اطلاع آنها معین کرده اند کافی نخواهد بود و بعلاوه مدتهم ندارد.

رئیس - این مذاکره راجع بماده بعد است. مذاکرات کافی است

(گفته شد: بل کافی است)

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای سهرانجان ساکینیان. بنده پیشنهاد میکنم در ماده دهم بعد از کلمه و غیره اضافه شود شش ماه قبل از اعلان مزایده.

پیشنهاد آقای دهستانی. بنده پیشنهاد میکنم در ماده دهم سطر دوم بعد از کلمه تهیه نوشته شود و در تمام مملکت حتی در قراء و قصبات و مراعی بوسیله اعلان برای مزایده انتشار خواهند داد.

پیشنهاد آقای مدرس. پیشنهاد میکنم ماده دهم بطریق

ذیل نوشته شود.

برای فروش املاک مزبوره صورتی مشتمل بر خصوصیات و حدود و عایدات املاک هر محل و حوزه باتعین قیمت هر يك (ده برابر عایدات خالص متوسط چهار سال اخیر) ترتیب داده و در خصوص همان حوزه و محل انتشار خواهند داد.

پیشنهاد آقای کارزونی. بنصره ذیل را مربوط بماده ذیل پیشنهاد میکنم.

بنصره - مدت اعلان از تاریخ انتشار کمتر از شش ماه نخواهد بود.

رئیس - ماده یازده که ماده آخر است قرائت میشود

(مضمون ذیل خوانده شد)

ماده یازدهم - وزارت مالیه مأمور اجرای این قانون و مکلف است تا شش ماه بعد از تصویب این قانون اعلان مزایده را شروع نماید

رئیس - آقای باسائی

باسائی - بنده باینکه از این لایحه مدافع بودم ولی چون يك موضوع اساسی فراموش شده خواستم تذکر بدم تا نظر آقایان هم متوجه شود. البته آقایان تصدیق میفرمایند که بودجه وزارت مالیه خیلی بی تناسب است هیچ تناسبی با عوائد مملکتی ندارد (بعضی از نمایندگان صحیح است) تقریباً هفت کرور خورده بودجه وزارت مالیه است. و هشتصد هزار تومان هم مخارج انتقاعی دارد که آنها مربوط بوزارت مالیه است و روی هم رفته که حساب کنید متجاوز از هشت کرور قریب نه کرور بودجه وزارت مالیه است و این مبلغ ابدأ تناسبی با عوائد مملکتی ندارد و عوائدی را که وزارت مالیه از پنجاه کرور وصول می کند و بیست کرور دیگر هم که عوائد گمرکی است و با هفتصد هزار تومان جمع آوری می شود آن قسمتی را که خود وزارت مالیه جمع آوری می کند وقتی باین نه کرور مخارج بسنجیم خیلی بی تناسب است.

يك قسمت از مخارج وزارت مالیه مربوط بتشکیلاتی است که راجع بخالصجات است چنانچه کراراً هم در این جا صحبت شده و حالا اگر ما رأی دادیم بفروش خالصجات لازمه اش این است که این اداره خالصجاتی که در مرکز تشکیل شده است باید منحل شود. و يك قسمت از مخارج انتقاعی هم باید ازین برود زیرا دیگر این مخارج موضوع پیدا نخواهد کرد. ولی بعقیده بنده این قانون قدری ناقص است.

و بنده نمیدانم که این خالصجات تا چند وقت دیگر بفروش خواهد رسید و تا کی این اداره خالصجات وجود خواهد داشت و بعد از چند وقت دیگر منحل میشود؟ بالاخره ما باید يك مدتی برایش معین کنیم که بعد از آن مدت دیگر این اداره منحل شود و الا اگر اینطور باشد چون نقل و انتقال این املاک ممکن است به طول انجامد و خود اداره خالصه هم برای دوام خودش ذی نفع است که این کار را طول بدهد از این جهت بنده عقیده دارم که باید ضرب الاجلی برای این کار قرار بدهیم و در این قانون بگنجانیم که مثلاً بعد از یکی دو سال اصلاً اداره خالصه باید ازین برود و دیگر نباید وجود داشته باشد و الا اگر غیر از این باشد اولاً خود اداره خالصجات برای بقاء خودش مشکلاتی در اینکار فراهم خواهد کرد و بعلاوه بعد از فروش خالصجات هم باز این اداره وجود خواهد داشت و همان مخارج زیادی باقی خواهد بود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای باسائی دست زدند بيك نغمه که خیلی صحیح است و حقیقه يك مسئله اساسی است ولی بنده از ایشان متوقع هستم که با این مسئله اساسی در کمیسیون بودجه مساعدت کنند نه در اینجا. در کمیسیون بودجه باید مردانه همت کرد و این بودجه کمر شکنی را که ۹ کرور است تقلیل داد.

وزارت مالیه در ازای چهار میلیون مالیات مستقیمی که وصول میکنند ۹ کرور بودجه دارد. این مسئله را

حقیقه باید تعقیب کرد و يك زمینده اساسی برای آن درست کرد. خوب است ما نگاه کنیم به بودجه های تمام دنیا و به بینیم ترتیب جمع و خرج سایر جاها چیست؟ تا حالا هیچ همچو چیزی نشده که يك وزارتخانه چهار میلیون وصول کند و نه کرور خرج داشته باشد. با این وضع ملاحظه بفرمائید عاقبت کار بکجا خواهد رسید. گمرک چه ربطی بوزارت مالیه دارد! عوائد نطف جنوب چه ربطی بوزارت مالیه دارد! عدلیه عوائد دارد چه مربوط بوزارت مالیه است! در پی همرفته وقتی که ما حساب کنیم می بینیم هشت کرور میگیریم و نه کرور خرج می کنیم. این يك مسئله اساسی است که باید مورد دقت و مطالعه مجلس شورای ملی باشد. و همسۀ ما باید باین اتفاق در این کار جدیت کنیم و باین بدبختی خانۀ دهم. لکن این ماده متعرض آن نیست. زیرا اینها راجع باین است که کدام وزارتخانه مأمور اجرای این قانون است. ما در اینجا مجبوریم که معین کنیم مأمور اجرای این قانون وزارت مالیه است. ولی ممکن است شما پیشنهاد کنید که وزارت مالیه در ظرف چه موعده و چند سال باید این قانون را بموقع اجرا بگذارد. این ممکن است ولی نمی توان بگوئیم که مثلاً وزارت فواید عامه مأمور اجرای این قانون باشد. اما راجع باداره خالصه و اجزاء آن شرحی فرمودند مناسب نبود زیرا پس فردا دو مرتبه دور مجلس يك طوافی خواهد شد و باز دو مرتبه مسئله عفو عمومی پیش می آید. خیر آقا! اینها اینکه در خالصه هستند بیکار خواهند شد. و ما قسم میخوریم که باین ها کار بدهیم. چرا؟ برای اینکه ما در مملکت بيك کارهائی دست زده ایم که اجزاء خیلی لازم دارد مثل راه آهن و غیره و البته این کارها اعضا و آدم لازم دارد مقصود این است که طوری نشود باز پس فردا جلو مجلس بیایند و بمجلس حمله کنند.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهاد آقای باسائی.



(مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در آخر ماده بازده اضافه شود.

(و بعد از یکسال اداره خالصجات مرکز و ولایات

را منحل نماید)

رئیس -- شور اول تمام شد. باید رأی گرفت برود

در شور ثانی. آقایانیکه ورود در شور ثانی را تصویب

میکنند قیام فرمایند.

(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. جلسه را باید ختم کنیم.

جلسه آتیہ روز یکشنبه دستور هم اگر تصویب میفرمائید

لاجره اضافات وزارت خارجه و فوائد عامه.

(مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)